

پنجره

گرفتن جان طالبان یا جان دادن به تروریسم

رضا اشرفی

این روزها موضوع داعش زمینه داغی را برای تروریسم و مبارزه با آن ایجاد کرده است که به نوعی همان راهبرد ایجاد تروریسم و مقوله فرصت و تهدید است. هنوز این پرسش بنیادی وجود دارد که چگونه داعش یکباره سر از تحولات منطقه‌ای درآورد و به بزرگ‌ترین و ثروتمندترین دستگاه تروریستی در جهان تبدیل شد و اینکه چرا ائتلاف عریض و طویل غربی - منطقه‌ای نتوانسته است این چالش بین‌المللی را برطرف کند؟

آیا داعش هم مانند دیگر گروه‌های تروریستی قبلی که در سطح وسیعی دست به عملیات می‌زنند، دست‌ساز است؟ تحلیل‌های مختلفی در این زمینه ارائه شده است که برخی به آن پاسخ منفی داده‌اند و برخی دیگر چنین رویکردی را از سوی غرب (آمریکا) تأیید کرده‌اند؛ اما بررسی یکی از خرداد عظیم تاریخی که اتفاقاً در صدمین سالگرد وقوع آن بسر می‌پریم، می‌تواند به ما نشانه‌هایی را باز نماید که گویای درستی این مسئله است و دست‌ساز بودن داعش از سوی غرب را بیان می‌کند. این اتفاق تاریخی و نامیوم قرارداد سَری سایکس – پیکو (انگلیس و فرانسه) است که صد سال پیش به فروپاشی امپراتوری عثمانی و ایجاد کشورهای جدیدی در منطقه منجر شد که عربستان سعودی یکی از آنهاست.

مسئله این است که طی سال‌های گذشته کمتر این امکان وجود داشت که رسانه‌های غربی از این قرارداد سَری تاریخی انتقادی داشته باشند، اما به‌تازگی انتقادهای از این تقسیم غربی منطقه بسیار افزایش پیدا کرده است و غربی‌ها به‌گونه‌ای از قرارداد سایکس – پیکو عقب‌نشینی کرده و از اعراب منطقه دلجویی می‌کنند که گویا خود زخم سرزمینی دیده‌اند.

در یکی از مهم‌ترین تحلیل‌ها، بی‌بی‌سی این‌گونه نوشته است: «داعش تنها گروهی است که پس از صد سال توانست قرارداد سایکس – پیکو را به هم بریزد و با برداشت مرزهای بین سوریه و عراق گام تغییر مرزها را بردارد.»

آیا این حمایت غیرمستقیم از داعش حاکی از همان راهبرد فرصت و تهدید است؟ آیا غرب خواهان تغییر مرزهای منطقه‌ای است و برای این زایش دردناک از چاقوی داعش استفاده می‌کند؟ بی‌بی‌سی حتی یک گام جلوتر گذاشته و گفته است که آیا در دل این تحولات «یک تصمیم غربی دیگر برای تقسیم مرزها» وجود دارد؟ بی‌بی‌سی در این زمینه دست روی کردها گذاشته و نوشته است: «اما ظهور داعش این ظرفیت را بیش از گذشته به سیاستمداران غربی ثابت کرد و اکنون کردها نیرویی جدی و اثرگذار در خاورمیانه اُغرب آسیا و شمال آفریقا] شده‌اند که اگر قرار باشد بار دیگر پشت درهای بسته، برای این بخش از جهان به منظور ترسیم جغرافیای سیاسی تازه پیمان سَری نوشته شود، جای شک نیست که دیگر همچون سایکس – پیکو نادیده گرفته نخواهند شد.»

از این منظر همه رقبای داعش باید تضعیف شوند، حتی اگر نمایش مبارزه با داعش نیز به اجرا درآید. طالبان به رهبری ملامنصور برخلاف برخی دیگر از گروه‌ها همچون بوکوحرام، یکی از این گزینه‌ها بوده است که علاقه‌ای برای همراهی با داعش نشان نمی‌داد. بنابراین، در حال حاضر طالبان باید به نفع داعش تضعیف شود!

رخنه

نفوذ رژیم صهیونیستی در جهان اسلام - ۲۰

چاد آلت دست صهیونیستها

عبدالله عبادی

عازم تل آویو کند.

این بار دیوید کیمشه، معاون رئیس وقت موساد میانجی شد تا روابط چاد و رژیم صهیونیستی را مجدداً برقرار کند، او تلاش کرد در اوت ۲۰۰۵ ملاقاتی بین وزیر امورخارجه چاد و یکی از مقامات بلندپایه رژیم صهیونیستی برقرار کند، اما این بار نیز تمامی تلاش‌های او بی‌ثمر بود.

هرچند بین مقامات رسمی دو طرف هیچ رابطه‌ای وجود نداشت؛، اما دلان پهودی بیکار نبوده و در چندین قرارداد پهودی، از جمله خرید و فروش آموزش و پرورش و... به کارشناسان و متخصصان نیاز داشت از رژیم صهیونیستی درخواست کرد تا جوانان این کشور را آموزش دهد. در اواسط دهه ۱۹۶۰ شاهد حضور کارشناسان رژیم صهیونیستی در بسیاری از زمینه‌ها در این کشور هستیم، علاوه بر این در زمینه نظامی نیز روابطی بین دو طرف ایجاد شد و رژیم صهیونیستی تعداد متنوعی سلاح و تجهیزات به ارتش این کشور اعطا و بلافاصله گروهی از مستشاران خود را برای آموزش ارتش چاد راهی این کشور کرد. هم‌مرز بودن چاد با سودان و لیبی که از مهم‌ترین دشمنان رژیم صهیونیستی به شمار می‌آمدند سبب شده بود تا رژیم صهیونیستی در کنار فعالیت‌های خود در این کشور نیم‌نگاهی نیز به اوضاع سودان و لیبی داشته باشد و از طریق عوامل خود به جاسوسی، به ویژه در سودان بپردازد، این روند تا سال ۱۹۷۳ ادامه داشت. به دنبال شکست اعراب از رژیم اشغالگر قدس و درخواست ناصر روابط چاد با این رژیم به حالت تعلیق درآمد.

این تعلیق تا سال ۲۰۰۶، یعنی ۳۳ سال ادامه داشت تا اینکه در سال ۲۰۰۵ سیلوان شالوم وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی تصمیم گرفت با ادیس دبی رئیس جمه‌ور چاد دیدار کند، اما این دیدار در آخرین لحظه لغو شد و چاد پیشنهاد کرد هیئتی از این کشور

فراسو

کارشکنی آمریکا در حریم امنیتی اژدها

آمریکا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۰ سیاست نظام تکقطبی را در جهان اجرا کرد و کوشید با جنگ خلیج فارس، بوسنی، افغانستان و عراق و... خود را کانون تحولات جهانی معرفی کند. اما این رویکرد هژمونیک آمریکا دوام چندانی نیاورد؛ از یک سو، روسیه با به قدرت رسیدن افرادی همچون پوتین در جهت احیای جایگاه جهانی خود گام برداشت و از سوی دیگر چین با ورود گسترده به اقتصاد جهانی به رقیبی جدی برای آمریکا مبدل شد، به گونه‌ای که در بسیاری از موارد اقتصاد آمریکا را پیرو خود ساخته و عملاً ایالات متحده در برابر اقتصاد چین که سراسر جهان از جمله آمریکا را فراگرفته در بسیاری از مقاطع سخنی برای گفتن نداشته است. شاید بتوان گفت که بر همین اساس آمریکا راهبرد سال ۲۰۲۵ خود را بر اصل مقابله با ششقر قرار داد که در رأس آن چین و البته ائتلاف‌های منطقه‌ای همچون آسه‌ان بوده است.

نکته قابل توجه در مناسبات میان چین و آمریکا، ورود دو طرف به تهدیدات



نظامی در قبال یکدیگر است که اوایل خرداد ماه با سفر اواما به منطقه شدت بیشتری گرفت. اواما برای حضور در اجلاس سران گروه ۷ در ژاپن و بازدید از برخی متحدان آمریکا در منطقه از جمله ویتنام راهی شرق آسیا شد و تحرکات نظامی واشنگتن در منطقه چین را به واکنش نظامی وادار ساخت. «لیو ژنمین» معاون وزیر خارجه چین در سخنانی هشدارآمیز خطاب به آمریکا گفت: «البته مردم چین دنبال جنگ نیستند و ما مخالف جنگ‌افروزی‌های آمریکا هستیم، ولی اگر ماجرای جنگ ویتنام و کره تکرار شود، ما آماده دفاع از خود هستیم.» این مقام چینی در ادامه افزود: «ما از نظر انتقال انرژی به شدت متکی به دریای جنوبی چین هستیم و به همین دلیل به امنیت منطقه اهمیت زیادی می‌دهیم.» وی نسبت به ایجاد پایگاه‌های نظامی آمریکا در این منطقه نیز هشدار داد.

چین بزرگ‌ترین ارتش جهان با بیش از نو میلیون نیرو را در اختیار دارد و در سال‌های اخیر قابلیت‌های هوایی و دریایی خود را افزون‌تر کرده است. چین و آمریکا در جریان نبرد کره طی سال‌های ۱۹۵۳ - ۱۹۵۰ هزاران نیروی نظامی خود را از دست دادند.

کند و کاو

رخدادهای پیرامون مسائل ایران و آمریکا

۷۱۲

توافقنامه چاپهار ناقض تحریم‌های وضع‌شده علیه ایران!

خبرگزاری مهر: معاون آسیای جنوبی وزیر خار جه آمریکا گفت: توافقنامه سه‌جانبه چاپهار برخلاف تحریم‌های بین‌المللی وضع‌شده علیه ایران است. «اشاد سایب بیسوال» در گفت‌وگو با رسانه‌ها گفت: توافقنامه سه‌جانبه ایران، هند و افغانستان که دو روز پیش به امضا رسیده است، ناقض تحریم‌های بین‌المللی وضع‌شده علیه ایران است. این توافقنامه باید به دقت بررسی شود. وی در ادامه افزود: آمریکا، هند را از چگونگی تحریم‌های وضع‌شده علیه ایران آگاه کرده است و چگونگی توافقنامه چاپهار در حال تحقیق و بررسی است. وی تصریح کرد: تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران لغو شده‌اند، اما در برخی زمینه‌ها این تحریم‌ها به قوت خود باقی است.

تاکید بر حفظ ساختار تحریم‌ها در پسا«برجام»

خبرگزاری فارس: کارشناسان حاضر در نشست‌ی در کمیته بانکداری مجلس سنا، خواستار حفظ ساختار تحریم‌ها علیه ایران در دوران پسا«برجام» شدند. «سارک دابوویتز» مدیر اجرایی «بنیاد دفاع از دموکراسی»، «ژوان زارات» مدیر شرکت «شبکه صداقت مالی»، «مایکل المن» از اعضای ارشد اندیشکده بین‌المللی مطالعات راهبردی و «لیزابت روزنبرگ» مدیر بخش انرژی و اقتصاد در اندیشکده مرکز امنیت جدید آمریکا حاضران در این نشست بودند. «دابوویتز» بر اساس بیانیه‌ای که روی این وبگاه قرار گرفته، با متهم کردن ایران به انجام اقدامات برهم‌زننده ثبات در منطقه، از توافق هسته‌ای به دلیل شکست در تغییر این رفتارها انتقاد کرده است. «لیزابت روزنبرگ» در بیانیه‌اش اذعان کرده است، تحریم‌های باقی‌مانده واشنگتن پس از اجرایی شدن برجام پیوستن ایران به نظام مالی بین‌المللی را کُند خواهد کرد. «تحریم‌های باقی‌مانده علیه ایران به دلیل فعالیت‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک این کشور برای کسانی که در اندیشه تجارت با ایران هستند، نقش بازدارنده دارد.»

تهران و مسکو به اسد فشار بیاورند

خبرگزاری ایسنا: سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت: وظیفه روسیه و ایران است که روی رئیس‌جمهور سوریه فشار آورند. مارک تونر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا درباره روند مذاکرات صلح سوریه گفت: این وظیفه ما و دیگر اعضای گروه بین‌المللی حمایت از سوریه است که روی مخالفان سوری فشار بیاوریم، اما وظیفه روسیه و به همان میزان وظیفه ایران این است که روی بشار اسد (رئیس‌جمهور) فشار وارد کنند؛ چیزی که ما تاکنون شاهد آن نبوده‌ایم.

دریافت رشوه برای حمایت از برجام!

خبرگزاری فارس: در گزارش سالیانه صندوق مبارزه با گسترش تسلیحات هسته‌ای در آمریکا آمده است، لابی صهیونیستی «جی استریت» ۵۰۰ هزار دلار از این صندوق برای حمایت از برجام دریافت کرده است. صندوق ضدهسته‌ای «پلوشرز» در گزارش سالیانه خود افشا کرد، صد هزار دلار به رادیو عمومی ملی آمریکا برای پخش گزارش توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ (آمریکا، انگلیس، فرانسه، روسیه، چین و آلمان) داده است. گروهی که چندی پیش کاخ سفید، آنها را به منزله جانشینان کلیدی در قبولاندن برجام معرفی کرده بود، به لابی صهیونیستی «جی استریت» در آمریکا ۷۶۶ هزار و ۵۰۰ دلار داده بودند که از توافق هسته‌ای ایران حمایت کنند. صندوق پلوشرز نیز سال گذشته میلادی ۱۰۰ هزار دلار به رادیو ملی آمریکا داده بود تا به این صندوق درباره برجام و موضوعات مربوطه کمک کند.

همچنین وزارت دفاع چین در واکنش به گزارش کنگره آمریکا که درباره فعالیت‌های نظامی چین هم سخن گفته بود، شدیداً اعتراض کرد و آن را تحریف محض نامید.

کنگره آمریکا در گزارش سالیانه خود درباره فعالیت‌های نظامی چین نوشت، چین باید تجهیزات نظامی شامل وسایل ارتباطی در جزایر مصنوعی ساخته خود در دریای چین جنوبی مستقر کند. در این گزارش به تکرار از تهدید نظامی چین و شفافیت نبودن آن سخن به میان آمده است. ریشه موضع‌گیری‌های تند پکن را در رفتارهای نظامی آمریکا در حوزه امنیتی چین می‌توان جست‌وجو کرد. در جایی که اواما پیش از سفر به ژاپن در گفت‌وگو با رسانه‌های ژاپنی از طرح آمریکا برای تسلیح و تقویت متحدانش در شرق آسیا می‌گوید، در حالی که پیش از وی نیز کری وزیر خارجه و اشتون کارتر وزیر دفاع آمریکا ضمن محکوم‌سازی حاکمیت پکن بر دریای چین بر تقویت حضور نظامی خود در منطقه تأکید کردند. آمریکا در حالی با حضور نظامی مستقیم در منطقه از جمله در اندونزی، فیلیپین، ویتنام و... به دنبال گره‌فاسازی پکن در دایره امنیتی مورد نظر خود است که همزمان به تسلیح کره جنوبی و ژاپن با محوریت تقابلی با پکن می‌پردازد. تحرکات آمریکا علیه حساسیت‌های امنیتی چین چنان گسترش یافته که پکن به طور رسمی اعلام کرد در صورت هرگونه اعلام جدایی از سوی تایوان از گزینه نظامی در قبال این منطقه استفاده خواهد کرد.

بعد دیگر طراحی آمریکا در قبال چین را گره‌فاسازی آن در منازعات بین‌المللی تشکیل می‌دهد که نمود عینی آن اقدام فیلیپین در دادگاه لاهه علیه چین است که بسیاری آن را ناشی از تحریکات آمریکا می‌دانند.

در حالی که فیلیپین شکایتی را در زمینه ادعاهای مطرح شده از سوی چین در دریای جنوبی چین در دادگاه بین‌المللی لاهه مطرح کرده است، پکن اعلام کرده است که بیش از ۴۰ کشور جهان از موضع این کشور در قبال مناقشه دریای جنوبی چین حمایت می‌کنند. نکته قابل توجه آنکه روند تحولات نشان می‌دهد آمریکا به دنبال درگیرساختن چین در زنجیره‌ای از بحران‌های داخلی، منطقه‌ای و جهانی از جمله در مجامع حقوق بشری و دادگاه‌های بین‌المللی است تا از این رهگذر سایش قوای سیاسی، امنیتی و اقتصادی چین را اجرایی کند. برخی ناظران سیاسی با اشاره به روند بحرانی در بسیاری از نقاط جهان از جمله در آفریقا، غرب آسیا و آمریکای لاتین معتقدند یکی از اهداف آمریکا از بحران‌سازی در این مناطق ایجاد فضای ناامنی برای فعالیت‌های اقتصادی چین است که نوعی جنگ پنهان آمریکا با رقیب جهانی خود می‌باشد. حلقه تکمیلی این طراحی گسترش تروریسم در شرق است که با نام داعش و بازماندگان القاعده صورت می‌گیرد.

به هر تقدیر، برآیند رفتاری نشان می‌دهد که حوزه تهدیدی آمریکا علیه چین به حوزه نظامی گرایش بیشتری داشته است، چنانکه نتیجه آن واکنش‌های تند نظامی پکن بوده که با توجه به رفتارهای آمریکا دایره این تنش‌ها در آینده ابعاد جدیدتری خواهد گرفت. پکن نشان داده که در حوزه امنیت پیرامونی و تمامیت ارضی خود هیچ مصالحه‌ای ندارد و هر تهدیدی را با تمام قوا پاسخ خواهد داد که تأکید مقامات چین مبنی بر آمادگی برای تکرار جنگ‌های کره و ویتنام نمودی از این وضعیت است.